

آگاهی بخشی

چرا قربانیان کودک آزاری سکوت می کنند؟

تحقیقات اخیر در اقصی نقاط دنیا ثابت کرده است که درصد بسیار کمی از قربانیان کودک آزاری جنسی، واقعه دهشت‌انگیز زندگی خود را با کسی در میان می‌گذارند. این بحث تا آنجا پیشرفته که اخیراً سازمان‌های بین‌المللی حفظ حقوق کودکان، آمار موجود را مثل نوک یخ می‌پندارند می‌دانند که بخش اعظم آن از دیده‌ها پنهان است، ولی چرا این قربانیان سکوت می‌کنند؟

دلایل مربوط به کودکان

برای کودکان تجربه جنسی در سنین پایین بسیار مبهم است. کودکان اطلاعی از کیفیت عمل جنسی ندارند و اگر هم دارند بسیار نامشخص و مبهم است. برای آنها این دنیا ناشناخته است. در عین حال به دلیل واکنش‌های بدنی هنگام عمل جنسی، آنها احساسات بسیار عجیب و سردرگمی پیدا می‌کنند.

هر چند آنها به زودی ماهیت نادرست عمل را درک می‌کنند ولی مدت‌ها طول می‌کشد که آن را گزارش کنند. این موضوع وقتی پیچیده‌تر و بفرغ‌تر می‌شود که کودک آزار از روش‌های متقلب و تهدید استفاده می‌کنند.

به همین دلیل مهم، در موارد بسیاری، کودکان به دلیل ترس، از هرگونه صحبت یا گزارش سرباز می‌زنند. کودکان در بسیاری موارد بترس می‌خورند که مدعی گزارش بخشی از راحل مسأله است. آن‌ها نگرانی‌هایی که آنها خود را غرق در گناه می‌دانند، حاضر نیستند با گزارش آن باعث مشکلات بیشتری برای خود و خانواده‌شان شوند. دلیل دیگری که کودکان از گزارش سرباز می‌زنند، این است که نمی‌دانند چگونه به چه کسی گزارش کنند. این امر مخصوصاً در آزارهای داخل خانواده که تقریباً نیمی از آزارها را شامل می‌شود، اهمیت صدچندان پیدا می‌کند.

دلایل مربوط به بزرگسالان والدین

عموماً اطلاع‌رسانی در مورد آزار جنسی بسیار محدود و همیشگی در حاله‌ای از ابهام بوده است. ثابوی مسائل جنسی در خانواده‌ها باعث شده والدین بیشتر ترجیح دهند که از این بحث‌ها اجتناب و کمتر در مورد تبعات آن بحث و بررسی کنند.

بحث امنیت- جنسی عموماً در چارچوب قوانین اجتماعی دنبال می‌شود ولی متأسفانه این امر در جامعه ما هنوز دارای محدودیت‌های فراوان فرهنگی، مذهبی و سیاسی است. در نتیجه به دلیل عدم بحث کافی در جامعه، نه تنها مردم از شدت و ماهیت بسیار خطرناک این مشکل به اندازه کافی اطلاع ندارند بلکه اعتقادات غیرسازنده‌ای هم پیدا می‌کنند؛ مثلاً کودک قربانی یا خانواده او را هم گناهکار می‌دانند.

بی‌اطلاعی والدین و دیگر افراد دست‌اندرکار باعث می‌شود به کسرات فرصت‌های طلایی برای گوش فرا دادن به کودکان قربانی از دست برود. اگر فرد متجاوز در موقعیت اجتماعی بالایی باشد، متأسفانه بعضی خانواده‌ها به دلیل نبود مراکز حمایتی و ترس از «بدرت شدن ماجرا» از گزارش واقعه منصرف می‌شوند.

بعضی خانواده‌ها هم بر پایه اعتقاد نادرست که گزارش ماجرا، مشکل را پیچیده‌تر می‌کند، خود شروع به درمان آن می‌کنند. این درمان‌ها عموماً نادرست و نارسا بوده و باعث وخیم‌تر شدن وضع قربانی می‌شود.

اگر شخص متجاوز در میان اقوام و فامیل باشد، بعضی خانواده‌ها به دلیل این که طرح موضوع باعث مشکلات عدیده در دیگر خانواده‌ها می‌شود از گزارش موضوع صرف‌نظر می‌کنند.

دلایل مربوط

به قانونگذاران و مدیران جامعه

کودکان آزار دیده دچار حس شدید ناامنی و گناه می‌شوند. تأمین امنیت این کودکان بسیار مهم است چرا که اگر کودک احساس امنیت نکند، زبانی برای شکایت نخواهد داشت.

به همین دلیل، پیگیری آزار جنسی کودکان نیازمند قوانین حمایتی قوی است. نبود یا کمبود حمایت‌های قانونی و اجتماعی از کودکان، حسن ناامنی آنها را بیش از پیش بالا می‌برد. آزاردهندگان جنسی کودکان در بیشتر کشورهای دنیا به‌عنوان متهم تحت پیگرد جدی قانونی قرار می‌گیرند. برای این جرم در بیشتر کشورهای مجازات‌های سختی در نظر گرفته می‌شود تا موارد و دفعات جرم را محدود کنند. به همین دلیل نقش قانون مشخص و موثر در حمایت کودکان و محدودیت کودکان آزاران بسیار حیاتی و لازم است.

عدم وجود قانون حمایتی مدلل باعث تعدی روزافزون کودکان آزاران به حریم بسیار شکننده کودکان مظلوم می‌شود. مدیران جامعه با حمایت و برنامه‌ریزی نیروهای مردمی و دولتی می‌توانند آمن و امیدواری برای این کودکان و خانواده‌هایشان فراهم آورند و عامل مهمی در کنترل تعدی‌های احتمالی باشند. همه ما در مقابل این کودکان مسئولیت داریم و تا زمانی که امنیت لازم را فراهم نکنیم تا آنها در باره درهایشان لب به سخن بکشایند، این کودکان و قربانیان همچنان خاموش خواهند ماند.

وقتی حامی دستفروشان می شویم!



پیشهاد شده به احتمال بسیار زیاد آن را می‌پذیرند. ممکن است گفته شود که دستفروشان مهارت‌های لازم را برای احراز شغل رسمی ندارند. خوب، اگر مافکر کنیم دستفروشان نباید در خیابان‌ها باشند، باید برنامه‌هایی برای مهارت‌آموزی ایشان در نظر گرفت تا سال گذشته‌ها نوع بر خورد نادرست مأموران شهرداری با دستفروشان می‌خواندیم، بر خوردهایی که بارها و بارها منجر به اقدام به خودکشی یا خودسوزی این افراد شد. راستش حتی نیاز نبود این اخبار را از طریق تلگرام و اینستاگرام و روزنامه‌ها بخوانیم؛ کافی بود در سطح شهر راه برویم و ترس دودیده از مأموران را در چشم‌های دستفروشان ببینیم یا بر دهن تمام اجناس یک دستفروش را که همه سرماپهانش در همان‌ها خلاصه می‌شد. برای خیلی از ما این رفتار ناپسند بود و زننده، آن هم در شرایطی که می‌توانیم بحران‌های اقتصادی پیش آمده در ۱۰ سال اخیر چگونه زندگی اجتماعی و اقتصادی همه افراد جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که حدود ۹۰ درصد دستفروشان در تمامی شهرهای کشور سرپرست خانوار هستند و با سرمابه‌ای که کمتر از دو میلیون تومان است، به‌عنوان خویش فرما، کسب‌وکاری را برای خود فراهم می‌کنند. با این حال سال‌هاست که شهرداری‌های کشور به بهانه «سدیم» یاد دستفروشان بر خوردی قه‌ری می‌کنند.

اگر باوجود برخورد قه‌ری و ضبط اموال، شغل دستفروشی همچنان رو به رشد است و هیچ‌یک از راه‌حل‌های خشونت‌بار مانع از بازگشت این افراد بر سر کارشان نمی‌شود به این دلیل است که دستفروشان به نیازی جدی در حوزه دادوستد شهری پاسخ می‌دهند؛ هم نیاز فروشنده‌ها و هم نیاز خریداران. در همین رابطه دکتر پویا علاءالدینی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌گوید: «در شرایط فقدان تمهیدات اقتصادی، گروه بزرگی از جمعیت شهری نمی‌توانند شغلی رسمی داشته باشند و مجبورند برای امرار معاش در بازار غیررسمی به فعالیت بپردازند. در کنار این مسأله که به دلیل ساختار اقتصادی، تعداد زیادی از جمعیت جوان کشور بی‌کار هستند و نرخ مشارکت نیروی کار نیز بسیار پایین است، با عده‌ای دستفروش مواجهیم که کار می‌کنند، اما کار آنان بی‌اهمیت دانسته می‌شود. دستفروشان در پی امرار معاش هستند و خدماتی هم ارائه می‌دهند.

در هر صورت اگر به دستفروشان کار رسمی

شهرداری‌های تمامی

شهرها باید «دستفروشی»

سیار «راه شرط عدم ایجاد

آلودگی صوتی» در همه

مکان‌ها جز مکان‌هایی که خود

شهرداری‌ها با نصب تابلوی

مشخص اعلام می‌کنند، به

رسمیت شناهند

پیشنهاد شده به احتمال بسیار زیاد آن را می‌پذیرند. ممکن است گفته شود که دستفروشان مهارت‌های لازم را برای احراز شغل رسمی ندارند. خوب، اگر مافکر کنیم دستفروشان نباید در خیابان‌ها باشند، باید برنامه‌هایی برای مهارت‌آموزی ایشان در نظر گرفت تا سال گذشته‌ها نوع بر خورد نادرست مأموران شهرداری با دستفروشان می‌خواندیم، بر خوردهایی که بارها و بارها منجر به اقدام به خودکشی یا خودسوزی این افراد شد. راستش حتی نیاز نبود این اخبار را از طریق تلگرام و اینستاگرام و روزنامه‌ها بخوانیم؛ کافی بود در سطح شهر راه برویم و ترس دودیده از مأموران را در چشم‌های دستفروشان ببینیم یا بر دهن تمام اجناس یک دستفروش را که همه سرماپهانش در همان‌ها خلاصه می‌شد. برای خیلی از ما این رفتار ناپسند بود و زننده، آن هم در شرایطی که می‌توانیم بحران‌های اقتصادی پیش آمده در ۱۰ سال اخیر چگونه زندگی اجتماعی و اقتصادی همه افراد جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که حدود ۹۰ درصد دستفروشان در تمامی شهرهای کشور سرپرست خانوار هستند و با سرمابه‌ای که کمتر از دو میلیون تومان است، به‌عنوان خویش فرما، کسب‌وکاری را برای خود فراهم می‌کنند. با این حال سال‌هاست که شهرداری‌های کشور سرپرست خانوار هستند و با سرمابه‌ای که کمتر از دو میلیون تومان است، به‌عنوان خویش فرما، کسب‌وکاری را برای خود فراهم می‌کنند. با این حال سال‌هاست که شهرداری‌های کشور سرپرست خانوار هستند و با سرمابه‌ای که کمتر از دو میلیون تومان است، به‌عنوان خویش فرما، کسب‌وکاری را برای خود فراهم می‌کنند.

تجربه ایجاد فرصت آموزشی برای کودکان بی بضاعت

تحصیل در هر شرایطی



تجدیدنظر کردند. ماکو کو کوچی و خیابان نصادرد و ۱۰۰ هزار نفر ساکن آن، روی شبکه‌های پلاستیکی شناور بر آب زندگی می‌کنند.

مدرسه و پرورشگاه قدیمی ماکو کو بر اثر سیل از بین رفته بود و کودکان ماکو کو از تحصیل بازمانده بودند. یک معمار همراه با گروهی از همکارانش یک مدرسه شناور روی ۲۵۰ بشکه را طراحی کرد که هم ارزان بود، هم زود آماده می‌شد، هم در برابر

اسطوره‌ها

همسر شهید بابایی درگذشت

پروردگار، یادآور آن خاطرات فراموش ناشدنی از این اسوه مقاومت و صبر بود. غفران آرزویی است که در میان حزن و اندوه حاصل از این خبر آرامان می‌کند. روایتش شاد و یادش گرمی باد. علی دایی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذو الجلال والاكرام؛ دور جدایی‌ها خط بکشید. قصه، قصه وصلت است. رفتن از دنیای خاکی را رها کنید. همسری با پروازی آسمانی به دیدار یار و همراهش رفته است. پیوندی مبارک که در بهشت، پیوندشان را امشب عرشیان جشن می‌گیرند. عروج همسر شهید خلیبان بابایی را از صمیم قلب تسلیت عرض می‌کنم.

آرش میراحمدی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: دیدار علاقه‌ساز استنی پیش بانو ملیحه حکمت به همسرش سرلشگر خلیبان شهید عباس بابایی پیوست. روحش شاد و یادش گرمی و آرزوی آرامش و صبر برای سلمی، محمد و حسین بابایی

کاربری نوشت: انالله وانا الیه راجعون. سرکار خانم حکمت همسر، شهید عباس بابایی بعد از ظهر امروز فوت کردند. فراقشون تمام شد اما یار دیگر فرزندان‌شان طعم تلخ فرا را این بار هم پدر و هم مادر را می‌چشند. روحشان شاد و یادشان گرمی باد. برای سرکار خانم حکمت فاتح‌های هدیه کنیم و برای فرزندان و بستگان‌شان از خداوند منان صبر طلب کنیم. شادی روح شهید بابایی و همسرشان؛ الهه‌صل‌علی‌محمودال‌محمودعجل‌فرجه



نقش شهید بابایی را در یک سریال تلویزیونی بازی کرده بود در یادداشتی برای همسر شهید بابایی منتشر کرد:

در فرهنگ ما، آسمان مفهومی اعلا دارد. آنان که بر فراز معنای آسمان معنای متعالی یافتند، از هر آنچه زمینی و پست بود گسستند. در مدتی که به واسطه تولید سریال شهید بابایی با زوایای پنهان و آشکار شخصیت آن بزرگوار آشنا شدم، پی به اهمیت فوق‌العاده زنی بردم که به‌عنوان همسر و همراه، نقشی غیرقابل انکار در حرکت متعالی عباس بابایی داشت. خبر عروج ملکوتی خانم ملیحه حکمت به آسمان و عزیمتش نزد

کار خیر

فراخوان جمعیت زنان خورشید

۲- انواع بطوری نوشابه، آب معدنی، دلستر و...
۳- انواع پارچه، برای آلات، تور، روبان تزئینی، دکمه و...
۴- چمدان‌های قدیمی و کهنه
۵- انواع ظرف یکبار مصرف از قبیل لیوان، کاسه، تنی، بشقاب و...
۶- بطری‌های شیشه‌ای آلیوم، مبراو...
۷- کلیه ظروف کهنه و قدیمی که از نظر شما کاربرد ندارد و زباله محسوب می‌شوند.
لطفاً، لطفاً، لطفاً ظروف را شسته و تمیز جمع‌آوری کنید.
ممنون می‌شیم اگر دل پر مهرتون رو به دل ما بدیدو بار بیومون کنید
باتشکر و سپاس فراوان.
www.ngokhorshid.blogfa.com



معرفی فعالیت

فرصت یک کار نیک

رسم است که به شکرانه نعمت‌های خداوند یا دفع بلا، قربانی می‌کنند و گوشت حیوان ذبح‌شده معمولاً میان همسایگان و دوستان که شاید از طبقه‌های پایین‌تر باشند، تقسیم می‌شود. اما چه بهتر که این گوشت، در سفره کسانی قرار گیرد که گاهی برای ماه‌ها طعم آن را نمی‌چشند و خرید کمترین مقدار گوشت هم برای آنها میسر نیست. به همین بهانه، جامعه‌ی یابوری طرح «نیت‌قربانی» را اجرا می‌کند تا هم هدف شما از قربانی حیوان برآورده شود و هم گوشت ذبح‌شده، به‌دست نیازمندان واقعی (که دانش آموزان ساکن خوابگاه در مناطق دورافتاده و محروم هستند) دوستان خود را به انجام این کار خیر دعوت کنید.

خطر سیل و آبگرفتگی‌های دائمی در منطقه مقاومت بود. اکنون ۱۰۰ کودک دبستانی در این مدرسه عجیب درس می‌خوانند. مدرسه شناور علاوه‌بر کلاس درس، محوطه‌ای برای بازی دارد و هنگام ساخت آن کاربری‌های موقتی مانند مرکز اجتماعات و سرگرمی و کلینیک بهداشتی نیز در نظر گرفته شده است.